



## موفقیت من بانک من



www.azizibank.af 1515

### بازی خونین - سیستم معیوب - سیاست راز آلود - ستون پنجم؛ این همه هر روز از مردم ما قربانی می گیرد



از صفحه فیسبوک احمد ولی مسعود

شکی نیست که رهبری ائتلافی نظام موجود تا هنوز که نزدیک به دو سال می شود قادر نیست تا مواد توافقنامه را تطبیق و قدمهایی را بردارند که به تشکیل باقاعده دولت وحدت ملی برسد. اما نفس دوام این سیستم معیوب و آجنندای نامعلوم، خود دلیل و زمینه ساز وقوع حوادث خونین، تنش ها و بحرانها در کشور گردیده است. در وجود این سیستم ناقص، حدود صلاحیتها، مسوولیتها و پاسخگویی ارکان و نهادهای نظام چنان باهم خلط شده اند که مراکز متعدد قدرت درون و بیرون دولت هریک به ساده گی، آگاهانه یا نا آگاهانه می توانند در تباخی با دستگاههای استخباراتی، کشور را بی ثبات سازند.

در این بازی خونین هر که قدرت و جایگاهش و روابط استخباراتی اش سنگین تر، قوت و ظرفیت تباه کن و بی ثبات سازی اش بیشتر.

سلسله حوادث وحشتناک روزمره، چنان غیر قابل پیش بینی، پیچیده و دور از انتظار اتفاق می افتند که تفکیک دوست و دشمن، تشخیص ستون های دولت و داعش و حتی حقیقت جنگ و صلح را در این روند مغشوش ساخته و امنیت روانی مردم را نابود کرده است. اصرار بر دوام این وضعیت میتواند بخشی از استراتژی بازیگرانی باشد که پیکر کشور و مردم ما را هر روز خونین تر می گردانند.

تا چند ماه باقی از معیاد توافقنامه اگر این سیستم پُر از تناقص و معیوب اصلاح نشود و تغییر اساسی نیابد، ادامه آن برای مردم ما غیر قابل تحمل میگردد.

آیا به خاک و خون کشاندن افسران جوان این سرزمین، گره هی از راز آلوده گی سیاست دولتمردان باز خواهد کرد و وحشت طالبانی را صادقانه اعتراف خواهند نمود؟ به روح شهدای جوان جمعه شب ماه مبارک رمضان دعا مینمائیم و به خانواده های داغدار شان از خدای متعال صبر جمیل استدعا داریم.



## کوچی جانشین کرزی غنی از کرزی سبقت جست!

صفحه ۶

## «کشتار جمعی سربازان پولیس یک دسیسه بود»

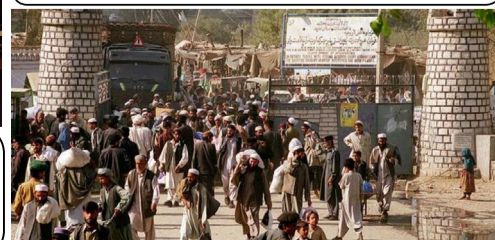
صفحه ۶



## مداخله در قضا و دادستانی جرم پنداشته می شود

صفحه ۳

## پاکستان راه های باز گرداندن سریع مهاجرین افغانی را بررسی می کند



### در برگ ها



چگونه پنجشنبه خونین رقم خورد؟  
این خلون و علم عمران



چگونه شاعر و نویسنده نشدم؟  
جامعه ورزشی افکار انحرافی را می زایدند

## سخن ماندگار

### رویداد پنجشنبه

### باید دقیق بررسی شود

مورد حمله قرار گرفتن کاروان پنجصد نفری دانشجویان پولیس در کابل، گپ ساده‌یی نیست که از کنار آن به راحتی بگذریم. در همان آغاز رویداد واضح بود که دست پلیدی از درون در خلق آن تلاش کرده تا پنجصد جوان آموزش دیده را به قتلگاه بفرستد. اما اظهارات سخنگوی ریاست جمهوری، نشان می‌دهد که ارگ ریاست جمهوری تمایلی به بررسی جدی این رویداد ندارد. زیرا به باور ما، قبل از این که طالبان را قاتلان ده‌ها سرباز و افسر جوان پولیس بدانیم، باید آن‌عه از مسوولان پولیسی که عاملان پنجصد تن دانشجوی را از اکادمی نظامی ولایت میدان وردک به مسلخ کابل فرستاده‌اند، قاتلان و عاملان اصلی رویداد روز پنجشنبه بدانیم.

این که همه آنان کشته و یا زخمی نشدند، امری جداست؛ اما قرینه‌ها نشان می‌دهند که نقشه‌یی شوم برای کشتن همه آن‌ها طرح شده بوده است. این که پنجصد افسر بدون در نظر داشت تدابیر خاص امنیتی، یک‌جا به سمت کابل فرستاده می‌شوند، خود نشان می‌دهد که نیت پلیدی در کار بوده است. زیرا هیچ منطقی قبول ندارد که این تعداد از سربازان و افسران وطن، به یک ولایت ناامن که هشتاد درصد در کنترل طالبان است، فرستاده شوند تا درس بخوانند و بعد، عقل حکم نمی‌کند که این تعداد افسران جدید وزارت داخله، از راهی ناامن و بدون تمهیدات لازم امنیتی به کابل فرستاده شوند.

فرستادن صدها سرباز از راه زمینی آن‌هم با این سطح نازل امنیتی، یقیناً خلاف احتیاط نظامیان در شرایط جنگ است. ما بارها گفتیم که ستون پنجم در داخل نظام است و باید تصفیه شود. نمونه این ادعاها را در سطح وزارت، ولایت و فرماندهی امنیه هم داشته‌ایم. این نمونه‌ها شکل‌های عریان و برهنه از فعالیت ستون پنجم بوده‌اند؛ اما متأسفانه هیچ اقدامی در برابر آن‌ها صورت نگرفته و برعکس، تلاش شده که آنان پاک‌ترین و صادق‌ترین مسوولان دولتی جلوه کنند و هر روز بیشتر از گذشته ترفیع بگیرند.

اگر چه معلوم نیست که در مورد فرمانده امنیه ولایت میدان وردک چه تصمیمی گرفته خواهد شد، اما رویداد روز پنجشنبه که صدها دانشجوی اکادمی پولیس میدان وردک را نشانه گرفت نیز نمی‌تواند بی‌ارتباط با افشا شدن خیانت فرمانده امنیه آن ولایت باشد. ولی مسلماً کل مسأله همین نیست. یعنی مقصر این رویداد، تنها فرمانده امنیه میدان وردک نمی‌تواند باشد و هستند دست‌های دیگر و بزرگ‌تری که در ادارات دولتی در پست‌های مهم تکیه زده‌اند و این رویداد و رویدادهای مشابه را طراحی و اجرا می‌کنند.

حالا وزارت داخله کشور، باید به گونه جدی این رویداد را بررسی کند و در جریان بررسی، هیچ سهل‌انگاری و مصلحتی صورت ندهد. زیرا آنچه پس از این رویداد دیده و شنیده می‌شود، نشان از ضربه زدن به پولیس از داخل دارد. روایت برخی از نجات‌یافته‌گان و برخی از زخمی‌های رویداد از این قرار است که یک یا دو انتحاری از خود محل و آدرس اولی، در بس‌های حامل دانشجویان جابه‌جا شده‌اند و خود را در کابل انفجار داده‌اند. در عین حال، نشانه‌هایی از این که یک موتر حامل مواد انفجاری و یا کدام انتحاری پیاده خودش را به کاروان پولیس زده باشد، در روایت‌های شاهدان و زخمی‌های رویداد وجود ندارد و فقط یک روایت رسمی موجود است. بنابراین وزارت داخله کشور باید این رویداد را تا ریشه بررسی کند. زیرا شواهد و قراین نشان می‌دهند که رویداد اخیر نیز مانند رویدادی که چند ماه پیش در قطعه محافظت از رجال برجسته کشور رخ داد، با همکاری دست‌هایی در درون صورت گرفته است، اما متأسفانه تا کنون هیچ خبر و نشانی از نتایج تحقیقات درباره رویداد قطعه محافظت از رجال برجسته دیده نمی‌شود و گویی هیأت حقیقت‌یاب پرونده را بسته است.

اکنون جدیت و تعهد رهبری وزارت داخله لازم است تا این قضیه به گونه قاطع و شفاف بررسی شود تا هم خیانت‌کاران به سزای عمل‌شان برسند و هم تدابیر ویژه‌یی برای جلوگیری از تکرار این نوع حوادث اتخاذ گردد.

غفلت‌ورزی‌های تکراری دولت، باعث شده است که طالبان جنایت‌پیشه، همواره فرصت ایجاد فاجعه را داشته باشند. در فضای مجازی البته این حادثه و تأمل در زوایای گوناگونی بررسی شده است. برخی‌ها با ابراز احساسات و تأمل در ناکاره‌گی نهادهای کشفی و استخباراتی، به این حادثه نگاه کرده‌اند و برخی دیگر تلاش ورزیده‌اند که با موشکافی در نوع نگرش عاملان این حادثه، به آن بپردازند.

# رقم خورد؟ خونین چگونه پنجشنبه



و با جدیت به دنبال ریشه‌ها و عوامل حوادث می‌رفت، بدون شک حالا حادثه روز پنجشنبه رخ نداده بود.

غفلت‌ورزی‌های تکراری دولت، باعث شده است که طالبان جنایت‌پیشه، همواره فرصت ایجاد فاجعه را داشته باشند. در فضای مجازی البته این حادثه از زوایای گوناگونی بررسی شده است. برخی‌ها با ابراز احساسات و تأمل در ناکاره‌گی نهادهای کشفی و استخباراتی، به این حادثه نگاه کرده‌اند و برخی دیگر تلاش ورزیده‌اند که با موشکافی در نوع نگرش عاملان این حادثه، به آن بپردازند.

یکی از کاربران شبکه‌های اجتماعی که اتفاقاً از دین‌پژوهان نام‌آشنای کشور است، پس از این حادثه در صفحه‌اش از افول اخلاق اسلام سیاسی سخن گفته و مسأله را به صورت جالبی پیچیده کرده است. به باور این دوست دین‌پژوه که هم درد دین دارد و هم درد انسان، نوعی از قرائت فقهی از اسلام که برخی‌ها به آن تمسک می‌جویند، چنین فرصتی را به آن‌ها داده که از نظر اخلاقی به تبعات اعمال‌شان توجه نکنند و یا از این منظر، آن‌ها را توجیه کنند.

به هر حال، نسبت به حادثه روز پنجشنبه از زوایای گوناگونی می‌توان پرداخت، ولی عمدت‌ترین نگاه این است که طالبان با کشتار و ویرانی به همان راهی می‌روند که فاشیسم در قرن بیستم رفت. نگاه مولوی هیبت‌الله رهبر تازه طالبان به انسان، همان نگاهی است که هیتلر و موسولینی به انسان داشتند. میان این‌ها هیچ تفاوتی وجود داشته نمی‌تواند. نمی‌توان به دلیل این که مولوی هیبت‌الله خود را مسلمان می‌داند، او را تافته جداافتاده از دژخیمان تاریخ دانست.

طالبان پس از مرگ دومین رهبر خود گفته بودند که انتقام می‌گیرند و بدون شک این حادثه می‌تواند در همین راستا بررسی شود، کما این که طالبان تا به امروز هیچ دستاوردی به جز قتل و کشتار نداشته‌اند.

چگونه مسوولان امنیتی و متولیان امور چنین پیش‌فرضی را مورد توجه قرار نداده بودند که به صورت دسته‌جمعی و آن‌هم در فاصله نزدیک به هم، کاروان موترهای پولیس را انتقال ندهند؟ آیا بارها چنین حوادثی در کابل اتفاق نیفتاد و آیا بارها مسوولان امنیتی از تغییر تاکتیک‌های نقل و انتقال سخن نگفتند؟ پس چرا این‌بار مسوولان امنیتی بی‌تفاوتی پیشه کردند و گذاشتند که فاجعه‌یی مثل فاجعه روز پنجشنبه کابل تکرار شود؟

بسیاری از تحلیل‌گران مسایل امنیتی در تحلیل‌هایی که پس از وقوع این فاجعه انجام دادند، از ستون پنجم به عنوان یکی از عوامل این رویداد سخن گفته‌اند. برخی‌ها نیز شک و گمان‌هایی را در مورد انجام این حمله مطرح کرده‌اند. به گفته این افراد، هنوز مشخص نیست که عاملان انتحاری خود را در مسیر کاروان موترهای این افسران جوان قرار داده بودند و یا عملاً در داخل موترها بودند.

در این که غفلتی بزرگ در انتقال این افسران صورت گرفته، هیچ جای تردید نیست؛ ولی مسأله زمانی پیچیده می‌شود که در عقب این غفلت تعمدی اعمال شده باشد. این حدس و گمان‌ها وجود دارند و تا زمانی که به صورت جدی مسأله واکاوی نشده باشد، بدون شک برخی از مسوولان امنیتی نیز می‌توانند در مظان اتهام قرار داشته باشند. جالب این‌جاست که پس از گذشت بیشتر از چهار و هشت ساعت از این حادثه، هنوز هیچ‌یک از مسوولان امنیتی در هیچ موقعیت و پستی بازداشت نشده‌اند. آیا واقعا هیچ یک از مسوولان امنیتی در این رویداد دخیل نبوده‌اند؟ آیا کسانی نبوده‌اند که به عنوان ستون پنجم در انجام این حادثه ضد بشری عمل کرده باشند؟

متأسفانه برخورد‌های سطحی با جان انسان‌ها که از سوی دولت اعمال می‌شود، بروز این‌گونه حوادث را در هر زمانی محتمل کرده است. اگر دولت در برابر چنین حملاتی از خود سهل‌انگاری نشان نمی‌داد

روز پنجشنبه هفته گذشته، کابل یک بار دیگر شاهد یکی از خونین‌ترین رویدادهای چند سال اخیر خود بود؛ رویدادی که در بحبوحه ماه غفران جامعه را به‌صورتی کم‌سابقه شوکه کرد. دو عامل انتحاری، کاروان موترهای پولیس را در مسیر راه وردک - کابل هدف قرار دادند و دریایی از خون به‌پا کردند. در این حمله ۳۰ تن از افسران جوان که تازه از مرکز آموزشی پولیس فارغ شده بودند، کشته شدند و نزدیک به ۶۰ تن دیگر جراحت برداشتند.

هرچند کابل در سه دهه گذشته، همواره شهری زخمی و خسته بوده، ولی گاهی حوادثی در این شهر رخ داده که به‌شدت روان جمعی شهروندان کشور را تکان داده است. رخداد روز پنجشنبه بدون شک یکی از این دست حوادث بود که در فضای جمعی سروصداها و واکنش‌های زیادی را برانگیخت، به ویژه که در این حمله شمار زیادی از جوان‌ترین افسران پولیس به‌صورت دسته‌جمعی شکار دهشت‌افکنان شدند.

بررسی این حمله، طبیعتاً یکی از وظایف نهادهای امنیتی کشور می‌تواند باشد، اما به دلیل این که نشانه‌های یک غفلت بزرگ در این حادثه مشهود است، باید از همین حالا نسبت به پیامدهای آن محتاط بود. در حوادثی این‌گونه وقتی پای مسوولیت و پاسخ‌گویی مطرح می‌شود، رهبران و مقام‌های مسوول به‌خوبی یاد گرفته‌اند که چگونه خود را با گفتن جملات احساسی از زیر بار مسوولیت نجات دهند. ریاست جمهوری و ریاست اجرایی این حادثه را مثل همیشه با جملات تکراری و خسته‌کن تقبیح کردند. گویا با تقبیح و گفتن این که «دشمنان دیگر تاب مقاومت رو در رو با نیروهای امنیتی را ندارند»، می‌توان مسوولیت خود را به عنوان رهبران این کشور در برابر تأمین امنیت جانی و مالی مردم پایان‌یافته تلقی کرد.

سوال‌های زیادی مثل همیشه که در مورد چنین رویدادهایی می‌توانند مطرح شوند، در رابطه با این حادثه نیز وجود دارند.

## رییس جمهور حین گشایش مرکز عدلی و قضایی:

# مداخله در قضا و دادستانی جرم

## پنداشته می شود

مرکز عدلی و قضایی مبارزه با فساد اداری روز پنجشنبه (۱۰ تیر/سرطان) با حضور رییس جمهور، رییس اجرائی و شماری از وزرا و رؤسای حکومتی در ارگ ریاست جمهوری گشایش یافت.

این مرکز به منظور بررسی پرونده های فساد اداری و محکمه اختصاصی برای رسیدگی به آنها ایجاد شده است. پس از این، تمامی پرونده های فساد مالی و اداری مقام های ارشد حکومتی به شمول وزیران، والی ها و معاونان پیشین و برحال حکومت در این مرکز بررسی خواهد شد.

رییس جمهور غنی در مراسم آغاز به کار این مرکز گفت که این مرکز بر بنیاد قانون اساسی تشکیل شده و با دقت، سرعت و قاطعیت عمل می کند.

به گفته آقای غنی، تمام کارمندان مرکز عدلی و قضایی مبارزه با فساد اداری از سوی دادستانی کل و دادگاه عالی تعیین

قانون تطبیق نگردد باور و عدالت تأمین نمی گردد.»

به بیان رییس جمهور: با خطرهای امنیتی و برنامه های اقتصادی پیشرفت کرده نمی توانیم تا زمانی که با فساد مبارزه نکنیم، از این جهت ما اراده سیاسی خود را برای مبارزه با فساد اظهار می داریم.

آقای غنی اذعان داشت: قدم اول برای مبارزه با فساد، اراده است و قدم دوم ظرفیت. تا به حال اداره یی نداریم تا ظرفیت مبارزه با فساد را داشته باشد، بنا باید برای مرکز عدلی و قضایی صلاحیت بدهیم و ظرفیت ایجاد کنیم.

محمد اشرف غنی خاطر نشان ساخت: «مرکز عدلی و قضایی باید بالای سه اصل تأکید خاص داشته باشد، اول دقت که برای تفکیک انسان فاسد و غیر فاسد و تعقیب آنها باید دلایل موجه وجود داشته باشد. دوم سرعت، در سال های



گذشته مردم افغانستان شاهد سرعت در فیصله های دستگاه های عدلی و قضایی نبودند. نکته سوم قاطعیت است که معنی اول آن این است که فیصله ها بدون در نظر داشت شخص صورت بگیرد.»

او اذعان کرد: هیچ فرد در هیچ مقام دولتی حق ندارد در تحقیق دادستانی و در فیصله قضا مداخله کند؛ چون این کار جرم است و ما بر استقلال نهادهای عدلی و قضایی ارجح می گذاریم.

اشرف غنی بیان داشت: تمام اعضای این مرکز چه از دادستان و چه از محکمه، از طرف ستر محکمه و دادستانی کل تعیین می گردند و در قسمت اجرائی آن دولت مداخله ندارد.

در سوی دیگر، دکتر عبدالله عبدالله رییس اجرائی حکومت وحدت ملی در این برنامه گفت: گشایش اداره عدلی و قضایی مبارزه با فساد اداری نشان دهنده اراده دولت افغانستان در امر مبارزه با فساد اداری است. رییس اجرائی اضافه کرد: در پهلوی اراده سیاسی، استناد بر قانون مسئله بسیار اساسی است و کسانی که در این مرکز استخدام می گردند با استقلالیت کامل استخدام خواهند گردید.

به گفته رییس اجرائی: «در صورتی که عملکرد مرکزی عدلی و قضایی غیر قانونی و منفی باشد، دادستانی کل، وزارت داخله و ستره محکمه که اعضای این مرکز را بر میگزینند، در پیشگاه مردم پاسخگو خواهند بود.»

او اظهار داشت: این نهاد به کدام منظور

می شوند.

رییس اجرائی نیز حین گشایش این مرکز بیان داشت که این نهاد به کدام منظور سیاسی ایجا نگردیده و برای هیچ کسی مجال نخواهیم داد تا از این نهاد استفاده سیاسی کند.

آقای عبدالله اطمینان می دهد که ایجاد این مرکز در راستای تحقق خواست مشروع مردم ایجا شده و در مطابقت قانون بودن و غیرسیاسی عملکرد آن را ضمانت می کند.

رییس جمهور محمد اشرف غنی بیان داشت: مرکز عدلی و قضایی بدون در نظر داشت موقف حکومتی افراد از خود که رییس جمهور هستم تا پایین ترین فرد حکومتی، قانون را تطبیق می کند.

آقای غنی افزود: یک مثلث واضح وجود دارد که مطابق قانون و اساسات قانون اساسی، جرم، تعقیب جرم و فیصله بالای جرم را تعیین کرده است، از این جهت پیام اساسی حکومت وحدت ملی در امر مبارزه با فساد اداری قانونیت است.

رییس جمهور تأکید کرد: تنها راه مبارزه پی گیر و ایجاد فضای اعتبار این است که نهادهای را که قانون تعیین کرده است، وظایف خود را انجام بدهند.

او تصریح کرد: «هم تجربه ما و هم تجربه جامعه جهانی به وضاحت نشان می دهد، وقتی بالای نهادهای موازی اتکا می شود و یا قانون به صورت سلیقه یی تغییر می کند، نتیجه یی به دست نمی آید، بنابر این، تمام فلسفه و شیوه کار مرکزی عدلی و قضایی اتکا بر قوانین است، چون تا زمانی که

ارگ:

## په امنیتی لیکو کې د کم عمره ځوانانو

### شتون خپل کېږي



افغان حکومت په امنیتی لیکو کې د زلمکیو یا نویو ځوانانو د شتون په اړه خبرنه کوي.

د ولسمشر غني د ویاند مرستیال دواخان مینه پال وایي، حکومت ژمن دی چې په امنیتی لیکو کې د کم عمره ځوانانو د استخدام مخه ونیسي.

د افغانستان د بشري حقونو خپلواک کمپسیون هم د جگړې په میدانونو کې د زلمکیو د شتون موضوع د اندېښنې وړ گڼي.

د افغانستان ولسمشر غني وایي چې ولسمشر غني د امنیتی ځواکونو په لیکو کې د کم عمره ځوانانو د شتون د معلومولو په هدف د څېړنو امر کړی دی.

د ولسمشر غني د ویاند مرستیال دواخان مینه پال د جمعې په ورځ ازادي راډیو ته وویل، په ځینو مواردو کې د سیمه ییزو پولیسو په لیکو کې زلمکي یا کم عمره ځوانان لیدل شوي، خو حکومت ژمن دی چې د ملي او نړیوالو اصولو سره سم په امنیتی ځواکونو کې د کم عمره ځوانانو د نیولو یا استخدام مخه ډب کړي.

نوموړي زیاته کړه: «ولسمشر ټولو امنیتی ارگانونو ته هدایت ورکړی چې په ټول افغانستان کې دغه ستونزه وڅېړي او ورسته یو مفصل راپور ولسمشر ته وړاندې کړي، د افغانستان حکومت په هیڅ صورت هیڅ ارگان ته اجازه نه ورکوي چې کم عمره ځوانان او ماشومان دې د امنیتی ځواکونو په لیکو کې استخدام شي.»

په دې وروستیو کې د بشر د حقونو د څارونکو نړیوال سازمان یا «هیومن رایسټ وایج» ویلي چې، افغان حکومت د پوځي ډوله ډلو په لیکو کې د کم عمره ځوانانو د جذب په مخنیوي پاتې راغلی دی.

دغه سازمان ویلي چې د دغه هېواد د سیمه ییزو پولیسو په لیکو کې د کم عمره ځوانان گمارل شوي دي.

د امریکا د بهرنیو چارو وزارت د پنجنسې په ورځ د انسان د قاچاق په برخه کې په

«د افغانستان د بشري د حقونو خپلواک کمپسیون په دې برخه کې لومړی خپل غږ پورته کړی، هم په سیمه ییزو پولیسو او د ولسي پخوانکونکو په لیکو کې کم عمره ځوانان یا ماشومان موجود دي، نو باید د دولت د امنیتی ځواکونو په لیکو کې د دغه عمر کسان موجود نه وي.»

د ماشومانو او ځلمکیو د حقونو یو شمېر کارپوهان وایي چې په پوځي لیکو کې د ماشومانو او کم عمره ځوانانو استخدامول د بشري حقونو نه مراعاتول او حتا جنګي جنایت دی.

د دغو کارپوهانو له ډلې ډاکټر محب زغم ازادي راډیو ته وویل چې دغه مساله که له یو خوا د نړیوالو قوانینو خلاف کار دی له بله پلوه د یادو کسانو په روحیه هم ناسم اغېز لري او په راتلونکي کې ترې په تاوتریخوالي روږدي او د ټولني د تمې خلاف کسان جوړېدای شي.

خپل کلني راپور کې د هغو هېوادونو لست هم خپور کړ کوم چې په کې ماشومان د جگړې لپاره استخدامېږي.

خو په دغه راپور کې د افغانستان نوم د هغه هېوادونو د لست څخه وایستل شوی وو کوم چې ماشومان د جگړې لپاره استخداموي.

په ورته وخت کې د افغانستان د بشر د حقونو د خپلواک کمپسیون ویاند رفیع الله بیدار وایي، که څه هم د پخوا په پرتله په پوځي ډوله لیکو کې د ماشومانو نیول کم شوي خو لا هم په دغو لیکو کې د دوی شتون د اندېښنې وړ دی.

هغه زیاته کړه: «د افغانستان د بشري د حقونو خپلواک کمپسیون په دې برخه کې لومړی خپل غږ پورته کړی، هم په سیمه ییزو پولیسو او د ولسي پخوانکونکو په لیکو کې کم عمره ځوانان یا ماشومان موجود دي، نو باید د دولت د امنیتی ځواکونو په لیکو کې د دغه عمر کسان موجود نه وي.»

د ماشومانو او ځلمکیو د حقونو یو شمېر کارپوهان وایي چې په پوځي لیکو کې د ماشومانو او کم عمره ځوانانو استخدامول د بشري حقونو نه مراعاتول او حتا جنګي جنایت دی.

د دغو کارپوهانو له ډلې ډاکټر محب زغم ازادي راډیو ته وویل چې دغه مساله که له یو خوا د نړیوالو قوانینو خلاف کار دی له بله پلوه د یادو کسانو په روحیه هم ناسم اغېز لري او په راتلونکي کې ترې په تاوتریخوالي روږدي او د ټولني د تمې خلاف کسان جوړېدای شي.

د ماشومانو او ځلمکیو د حقونو یو شمېر کارپوهان وایي چې په پوځي لیکو کې د ماشومانو او کم عمره ځوانانو استخدامول د بشري حقونو نه مراعاتول او حتا جنګي جنایت دی.

د دغو کارپوهانو له ډلې ډاکټر محب زغم ازادي راډیو ته وویل چې دغه مساله که له یو خوا د نړیوالو قوانینو خلاف کار دی له بله پلوه د یادو کسانو په روحیه هم ناسم اغېز لري او په راتلونکي کې ترې په تاوتریخوالي روږدي او د ټولني د تمې خلاف کسان جوړېدای شي.

د ماشومانو او ځلمکیو د حقونو یو شمېر کارپوهان وایي چې په پوځي لیکو کې د ماشومانو او کم عمره ځوانانو استخدامول د بشري حقونو نه مراعاتول او حتا جنګي جنایت دی.

## ۲۲۵ عضو داعش در ولسوالی کوت ننگرهار

### کشته شده اند

عملیات، ۹۴ وفادار دیگر گروه داعش نیز زخمی شده اند.

بر اساس خبرنامه دفتر مطبوعاتی ولایت ننگرهار، در جریان هفته گذشته به تعداد ۲۰ نفر از منسوبین اردوی ملی و افراد ملکی، در ولسوالی کوت این ولایت، جان داده و ۲۰ نفر دیگر زخمی شده اند.

اما در این خبرنامه مشخص نیست که چه تعداد از این قربانیان افراد ملکی و چه تعدادشان هم نظامی هستند.

بر اساس اطلاعات دفتر مطبوعاتی ولایت ننگرهار که در اختیار رسانه ها قرار داده است، در جریان عملیات هفته گذشته

نیروهای امنیتی در ولسوالی کوت این ولایت، ۴۵ قریه به طور کامل از وجود گروه داعش، پاک سازی شده است.

مسوولان گفته اند، تا زمانی که تمامی ساحات ولسوالی کوت از وجود گروه داعش، پاک سازی نشود، عملیات نیروهای امنیتی جریان دارد.

عملیات زمینی و هوایی نیروهای امنیتی کشور، طی هفته جاری در ولسوالی کوت ولایت ننگرهار، پس از آن شدت گرفت که گروه داعش خانه های مسکونی را در این ولسوالی به آتش کشیدند.



مسوولان ولایت ننگرهار می گویند که در جریان هفته گذشته به تعداد ۲۲۵ وفادار گروه داعش در ولسوالی کوت ولایت ننگرهار کشته شده اند.

بر اساس خبرنامه یی که دفتر مطبوعاتی ولایت ننگرهار، روز جمعه ۱۱ سرطان، منتشر کرده، این شمار افراد گروه داعش که در میان شان افراد مهم و کلیدی نیز می باشند، در جریان عملیات زمینی و هوایی نیروهای امنیتی کشور، کشته شده اند.

خبرنامه افزوده است که در جریان این

سیاسی ایجا نگردیده و برای هیچ کسی مجال نخواهیم داد تا از این نهاد استفاده سیاسی کند؛ چون موفقیت این نهاد به مستقل بودن، قانونی بودن و عادلانه بودن آن است.

برای مردم افغانستان اطمینان می دهد که ایجا این مرکز در راستای تحقق خواست مشروع انسان ایجا شده و در مطابقت با قانون بودن و غیرسیاسی عملکرد آن را ضمانت می کند.

همزمان با این، فرید حمیدی دادستان کل در برنامه گشایش مرکز عدلی و قضایی اظهار داشت: ایجا مرکز عدلی و قضایی اطمینانی است برای مردم افغانستان که عدالت تأمین می شود و حاکمیت قانون به وجود می آید.

آقای حمیدی اضافه کرد: مبارزه با فساد تنها برای امروز نیست، بلکه برای ایجاد زندگی آبرومندانانه برای فرزندان ما در آینده نیز است.

دادستان کل هم چنان تأکید کرد: چون فساد در افغانستان ریشه دار و گسترده است، مبارزه با آن کار آسانی نیست و روزها و ماه ها را در بر خواهد گرفت، اما ما برای یک مبارزه دشوار و طولانی آماده گی داریم.

او تصریح کرد: مجموعه از تجارب خوب و بد گذشته ما را برای ساختن این مرکز و ادار ساخته است، تا انسجام، هماهنگی، تمرکز و همکاری را میان نهادهای عدلی و قضایی کشور ایجاد کنیم.

او بیان داشت: «مبارزه ما بی طرفانه، منصفانه، با دقت و قاطعیت و غیرسیاسی است و اجراءات این نهاد کاملاً آگاهانه و با دید واضح و دقیق است. قالب های مشخصی وجود دارد هر کسی که در این قالب جور می آید برایش معافیت وجود ندارد.»

او به مردم اطمینان می دهد که در قاطعیت این اداره شک نداشته باشند، چون این قاطعیت توأم با دقت خواهد بود.

حکومت در حالی از ایجا این مرکز خبر می دهد که با وجود دوسال تلاش برای محو فساد اداری، هنوز این پدیده در افغانستان یکی از بزرگ ترین مشکلات به شمار می رود.

از سوی هم، گفته می شود قضیه های بزرگ فساد که توسط مقام های ارشد حکومتی از گذشته تا کنون صورت گرفته، هنوز وجود دارد و در این صورت مشخص نیست حکومت تا چه حدی توان برخورد با پرونده های بزرگ را خواهد داشت.

هرچند سال گذشته پرونده های شماری از مقام های حکومتی در پیوند به فساد دادگاهی شد و در آغاز ایجا حکومت وحدت ملی نیز پرونده بزرگ کابل بانک به عنوان یکی از بزرگ ترین پرونده های فساد دوباره گشوده شد، اما نتایج آن

مطلوب به نظر نمی رسد و تمام متهمان بزرگ در بیرون از افغانستان و دور از دسترسی حکومت به سر می برند.

افغانستان در آخرین گزارش منتشر شده از سوی سازمان شفافیت بین المللی از نظر فساد در بخش دولتی، با کسب ۱۱ امتیاز جایگاه ۱۶۶ را به دست آورده و مقام سوم را در جهان دارا است.

این درحالیست که پیش از این حکومت های پیشین نیز چندین مرکز برای مبارزه با فساد اداری در افغانستان ایجاد کردند، اما نتوانستند که اعتماد جامعه جهانی و مردم افغانستان را به دست بیاورند و جلو فساد را بگیرند، اکنون دیده شود که این مرکز جدید چه کاری در برابر فساد اداری انجام خواهد داد؟

بخش دوم

# روان‌شناسی قرآن

نویسنده: دکتر مصطفی محمود

مترجم: سیداحمد اشرفی

آری، هر که توجه قلبی و هم‌وغم خود را معطوف به خداوند سازد، مطمئن می‌شود و به آرامش خاطر نایل می‌گردد و چون خداوند، آفریده‌گار هستی و تقدیرکننده اقدار و تعیین‌کننده سرنوشت‌ها و مبدع بی‌همتاست؛ لهذا هرچه آفریده خوب و بدیع بوده، هیچ‌کس بالاتر و زیباتر از وی خلق کرده نمی‌تواند و بهتر از آنچه هست، وجود ندارد. از این جهت، دنیا عرصه خونین بدی‌ها نیست، بلکه درس بلندی است از حکمت و اتقان.

و چون خدا موجود است، پس تو تنها نیستی، بلکه هر جا می‌روی، در پناه عنایت الهی قرار می‌گیری و هر جا که فرود می‌آیی، در حفظ مشیت او می‌باشی و نتیجه این طرز تفکر، شعور دایمی به انس و امنیت و همراهی است، نه هجران و تنهایی و غدر و تباهی و وحشت و افسرده‌گی. این است حال کسانی که به «لا اله الا الله» از دل و جان باور دارند.

آن‌ها لذت بهشت را در همین دنیا و قبل از جهان آخرت می‌چشند، آن‌ها پادشاهان بی‌تخت و تاجی هستند که با گام‌های استوار قدم برمی‌دارند و چنان از اطمینان و ثبات کامل برخوردارند که هنگامه‌های بزرگ و زلزله‌های سهمگین آن‌ها را به لرزه در نمی‌آورد.

این است دواخانه‌ی خدایی برای هر کسی که از تشویش و اضطراب و افسرده‌گی رنج می‌برد. شفای حقیقی و اکسیر زنده‌گی و آب حیات تنها و تنها در همین جاست. هرکسی از این آب بنوشد، دیگر تشنه نمی‌شود. در این جا رسید و سندی وجود دارد که از همه ارزشی‌ها که در روی زمین تبادل می‌شود، گران‌بها تر است. در این جا راهنما و قطب‌نمایی وجود دارد که همه راه‌ها را به ما نشان می‌دهد. در این جا برای هر دردی دارویی وجود دارد.

ترکیب روانی و اخلاقی مؤمنان

مؤمنان دارای بردباری، فروتنی و حیا می‌باشند. چنان‌که خداوند می‌فرماید:

«وَعِبَادُ الرَّحْمَنِ الَّذِينَ يَمْشُونَ عَلَى الْأَرْضِ هَوْنًا وَإِذَا خَاطَبَهُمُ الْجَاهِلُونَ قَالُوا سَلَامًا» (سوره فرقان: ۶۳)

ترجمه: بنده‌گان مؤمن خدا کسانی هستند که در زمین با آرامش راه می‌روند و هرگاه که جاهلان آن‌ها را مورد خطاب قرار دادند، (عوض مجادله) می‌گویند سلام بر شما.

آن‌ها را از سکوت طولانی، تفکر همیشه‌گی، فروتنی و دوری‌شان از جار و جنجال و غوغا و دشنام و نفرین، از تانی و اتقان و حسن اداه در کارهایی که برای‌شان سپرده می‌شود و از خلق خوش و آرامش مزاج‌شان و از راستی، وفاداری و میانه‌روی‌شان در همه چیز باز می‌شناسی، و اگر بخواهیم با یک صفت جامع، طبیعت شخصیت مؤمن را معرفی کنیم، آن صفت عبارت است از: سکون و آرامش؛ زیرا سکون و آرامش دلالت بر این دارد که انسان توانسته مملکت درونی خود را به‌طور کامل زیر کنترل درآورد و بر آن حکمرانی کند و این تنها نشانه انسجام و توازن نفس و هماهنگی میان امیال متناقض آن و انقیاد و فرمان‌برداری آن از صاحبش می‌باشد و این نعمتی است که جز مؤمن کس دیگری از آن بهره‌مند نمی‌باشد.

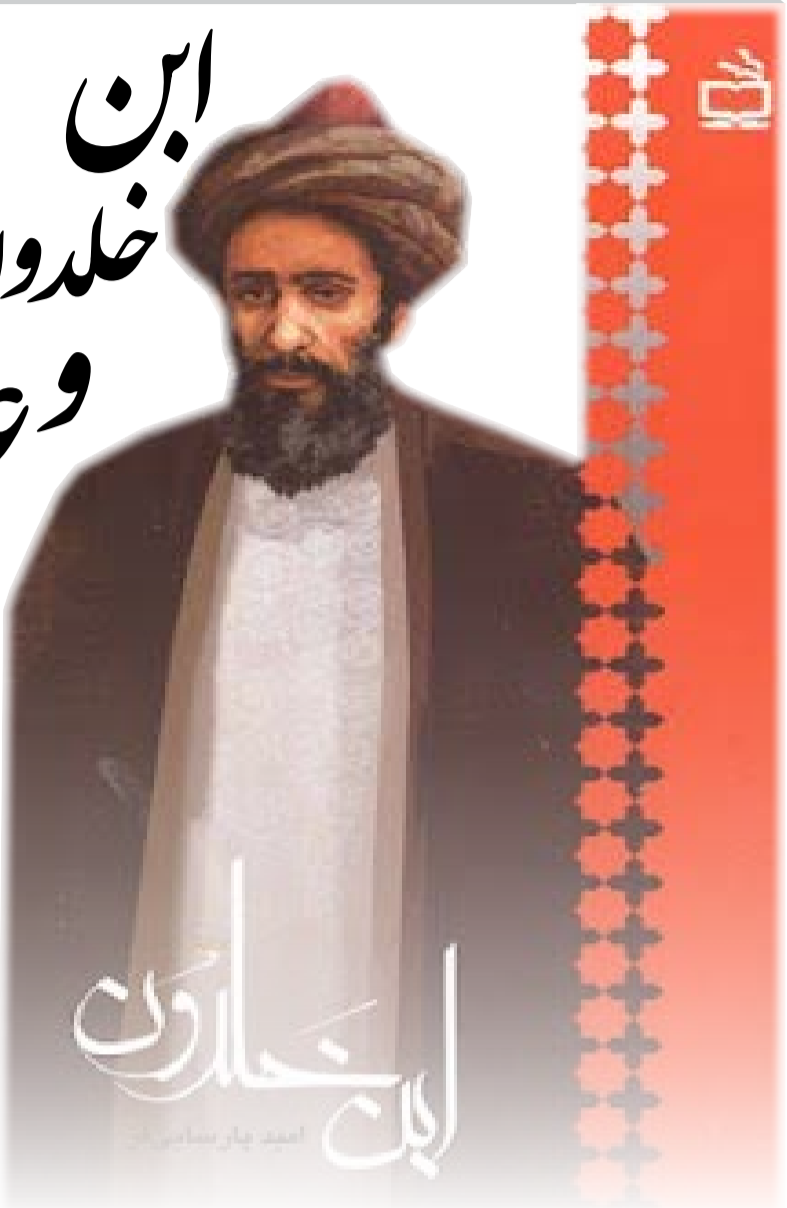
این سکون و آرامش باطنی در سیمای ظاهری فرد مؤمن قابل تشخیص می‌باشد. این آرامش، آرامش توخالی و خنک و احمقانه نیست؛ بلکه آرامشی است برخاسته از تأمل و صفای نفس و بلندی همت و روشن‌بینی. تو گویی که بحر در درون او جریان دارد. بحر ظاهر ساکن و آرام به نظر می‌رسد اما در عین حال در تب‌وتاب همیشگی بوده، لحظه به لحظه لؤلؤها و مرجان‌ها و صدف‌ها را از اعماق خویش به بیرون می‌پراکند و به‌طور بی‌نهایت، غنی و ثروتمند و بخشنده است. این است خصیصه یک فرد مؤمن که همواره از آرامش نورانی و غنایمند بهره‌مند می‌باشد. چرا چنین است؟

به‌خاطر این که رابطه مؤمن با پیرامونش و رابطه وی با گذشته و آینده‌اش و دیدگاه وی در رابطه با مرگ و زنده‌گی و دیدگاه وی نسبت به کار و اخلاق، با دیدگاه یک فرد مادی کاملاً متفاوت است. به‌طور مثال، اخلاق از دیدگاه یک انسان مادی عبارت است از اشباع غرایز به‌نحوی که با حق دیگران در اشباع غرایزشان تصادم نداشته باشد. البته هدف اصلی این طرز دید، توزیع بهتر لذت‌هاست. اما اخلاق از دیدگاه دینی، برعکس، کنترل امیال و رغبات نفس و مخالفت با شهوت و هوا و هوس می‌باشد، تا جایگاه انسان به عنوان خلیفه خدا و وارث زمین تحقق پیدا کند.

بخش پنجم

نصر الله خلیلی تبر تاشی

# ابن خلدون و علم عمران



ابن خلدون

این طرز تلقی از واژه «عمران»، پیچیده‌گی معانی واژه عمران را می‌رساند که شامل مفهوم جغرافیای انسانی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی می‌شود.

ابن خلدون «عمران» را این‌گونه تعریف می‌کند: «العمرانُ و هو التساکنُ و التنازُلُ فی مصر اوجلهُ للانس بالعشیر و اقتضاء الحاجات و من هذا العمرانُ ما یكون بدویاً... و ما یكون حضریاً» (۲۳) عمران یعنی هم‌سکونی و هم‌فرودی در شهر یا هر محله‌یی به منظور انس‌گیری با عشیره‌ها و جمعیت‌ها و تأمین نیازمندی‌ها. یک نوع عمران، صحرائشینی و نوع دیگری شهرنشینی است.

وی در این تعریف، عمران را با اجتماع و تشکیل جامعه برابر گرفته که در آن انسان‌ها برای تأمین نیازمندی‌های خود، با یکدیگر انس می‌گیرند و جامعه واحدی تشکیل می‌دهند. او هم‌چنین در عبارت‌های زیاد دیگری، به مساوی بودن آن دو تصریح کرده است.

موضوع علم عمران

هر علمی برای خود موضوعی دارد که در آن، از عوارض ذاتی، اوصافی از موضوع‌اند که به اقتضای ذات یا به اقتضای اجزای ذات، بر آن عارض می‌شوند. برای نمونه، بدن انسان موضوع علم طب است؛ زیرا در آن، از اوصاف عارض بر بدن از قبیل صحت و مرض بحث می‌شود. عوارض ذاتی همان مسایل علم هستند که مطلوب علم می‌باشند و از آن‌ها بحث می‌کند. علم عمران نیز موضوعی دارد که در آن از عوارض ذاتی و کیفیات عارض بر موضوع بحث می‌کند و آن به تصریح ابن خلدون «عمران بشری و اجتماعی انسانی» است. (۲۴)

۳. مسایل علم عمران

ابن خلدون مسایل علم عمران را عوارض ذاتی عمران بشری و اجتماع انسانی می‌داند و درباره آن می‌نویسد: «... درباره آغاز پیدایش انسان‌ها و دولت‌ها و هم‌زمانی ملت‌های نخستین و اسباب تحولات و تزلزلات در نسل‌ها و ملت‌های گذشته و آنچه در این عمران رخ می‌دهد، نظیر دولت و ملت، عزت و ذلت، کثرت و قلت، علم و صنعت، شهر و دهکده، درآمد و هزینه، حوادث حال و آینده، حالات فروپاشی و پراکنده‌گی، چادرنشینی و شهرنشینی، چیزی را فروگذار نکردم، مگر این‌که جمله‌گی را بررسی کردم و علل و براهین آن‌ها را توضیح دادم.» (۲۵)

خاصی بحث نکرده و به دنبال کشف علت‌ها نیستند، آن‌ها را علم حقیقی نمی‌دانند، در حالی که به نظر وی، علم «عمران» پدیده‌های اجتماعی را با علل، اسباب، منشأ و طبیعت آن‌ها با دلایل براهنی توضیح می‌دهد.

وی معتقد است: تمامی حقایق و پدیده‌ها از قوانین خاصی پیروی می‌کنند و عوارض ذاتی مخصوص به خود دارند. از این‌رو، پیشنهاد می‌کند: درباره عوارض ذاتی هر حقیقتی تحقیق و بررسی شود و برای هر یک رشته علمی خاصی تأسیس گردد.

مبانی علم عمران

۱. تعریف علم عمران

ابن خلدون به عنوان مبتکر و مبدع علم «عمران» ناگزیر از استعمال واژه‌های معمول زبان در مفاهیمی نو شده و گاه بر اساس ریشه‌های لغوی موجود، با تسلطی که بر زبان و ادب عرب داشته، واژه‌هایی خاص وضع کرده است. از این‌رو، در مقدمه به اصطلاحات و تعبیرات ویژه‌یی برمی‌خوریم که مفهوم کامل آن با توجه به منظومه اندیشه و بیان ابن خلدون شناخته می‌شود؛ از آن جمله است واژه‌های عمران، عصیبت، ابنیه، وازع، خلافتیه، عجم‌العرب، فارسیه، ملکه، اتقافه، استعداد، دولت، عمارت، بدوی، تمدن، طبیعت و حضارت. از این میان، تعبیر «عمران» از اهمیت بسیاری برخوردار است و ابن خلدون توجه ویژه‌یی به آن داشته و در واقع، بسیاری از مباحث مقدمه را بر محور آن متمرکز ساخته و حتا اسم علم نوینیاد خود را از این واژه گرفته است. برای شناخت موضوع و مسایل این علم و هم‌چنین برای شناخت بهتر منظور وی از علم «عمران»، روشن شدن معنای این واژه ضروری است. واژه «عمران» از ریشه «عَمَرَ» است که دارای معانی وسیعی از جمله سکونت کردن، محل سکونت، مسکون، ساختن، تأسیس کردن، مزروع، کشت کردن، حاصل‌خیز، آباد شدن، زیستن، پیشرفت دادن، معاشرت کردن و مترقی شدن می‌باشد. (۲۲)

محققان و مترجمان مقدمه مفهوم «عمران» را به شکل‌های گوناگون تعبیر نموده‌اند، ولی به‌طور عموم، کلمه «تمدن»، «فرهنگ» و «جامعه» را به جای آن استعمال کرده‌اند.

ابن خلدون معتقد بود: هدف و غایت علم جدید با هدف آن دو علم بالذات متفاوت است؛ علم عمران را نباید از مسایل علم «خطابه» دانست؛ زیرا خطابه گفتارهای اقتاعی برای جلب یا انصراف توده مردم از عقیده‌یی مفید است، در حالی که علم «عمران» دانشی عقلی و براهنی است که با واقعیات محسوس و طبیعی سر و کار دارد. وی علم عمران را جزو علم «سیاست مُدُن» هم نمی‌دانست؛ زیرا سیاست مدن، علم تدبیر منزل یا شهر به مقتضای حکم اخلاق و حکمت است تا عامه مردم را به روشی که متضمن حفظ نوع و بقای آن‌هاست، وادار سازد. بنابراین، علم عمران، که اجتماع بشری را مطالعه می‌کند، علمی مستقل است، هرچند ممکن است در برخی مواقع با دانش‌های دیگر، اشتراک موضوع پیدا کند، ولی دیدگاه آن‌ها متفاوت است.

وی در گام بعدی، برای اثبات استقلال علم عمران، آن را با علوم وضعی مقایسه می‌کند و معتقد است: علوم وضعی، به ویژه فقه، هرچند در براهین خود با مسایلی سر و کار دارند که از حیث موضوع و نقطه بازگشت مانند مسایل علم عمران هستند، ولی در اصل از علوم غیرعقلی‌اند و از وحی ناشی می‌شوند و بررسی مسایل علم عمران در آن علوم جنبه عرضی دارد. این علوم با مطالعه جامعه، قصد بی بردن به مقاصد و اهداف شرع را دارند تا بتوانند تشخیص دهند که چه‌گونه باید احکام شرع را در موارد عملی به مرحله اجرا درآورند، اما هیچ‌گاه از اجتماع به عنوان موضوع مستقل بحث نکرده‌اند، بلکه هم‌چنان مطالعه اجتماع، فرع بر غرض اصلی آن‌ها باقی می‌ماند. غرض اصلی آنان تشریح اوامر شرع است، در حالی که علم عمران منوط به وحی و الهام نیست و با اثبات عقلی و استنتاج‌های خود، قطع نظر از اوامر شرع سر و کار دارد و تحقیقی عقلانی درباره طبیعت انسانی و اجتماعی است.

بالاخره، وی علم «عمران» را با آثار عظیم و عامه‌پسند حکیمانی هم‌چون مسعودی، ارسطو، طروشوی و ابن مقفع، که غالباً به شیوه خطابی نگاشته شده و پر از پند و اندرزند، مقایسه کرده و وجوه تمایز آن‌ها را برشمرده است. اما چون آن‌ها درباره موضوع

حالا که از علم و معرفت صحبت می‌کنم بی‌مناسب نمی‌دانم این نکته را نیز یادآوری نمایم که من به کتب عربی میل خاصی داشتم و رسایل ادبی را به قیمت جان می‌خریدم. مخصوصاً «صمدیه» و «انیس العاشقین» و «الفیه سیوطی» و «جبه الاغنیای وصف الاشقیاء» و «مجمع الدعوات» را چند بار خواندم. «رهنمای عشرت» و کتاب مستطاب «وغ و ساهاب» و «حیوة الحیوان دمیری» و «پارديناها» را نیز شب‌ها برای مرحوم ابوی قرائت می‌کردم. این مطالعات تأثیر غریبی در من می‌گذاشت. دل نازک و زودخواه و آسان‌فریب من همواره در پی این کتاب‌ها کشیده می‌شد. برای ثبت در تاریخ و تکمیل ترجمه احوالی که یکی از محققین دانشمند در قرن هفدهم هجری راجع به من خواهد نوشت، باید این راز نهانی را هم فاش کنم که بعد از «رموز حمزه» هیچ نوشته‌یی را به اندازه باب پنجم گلستان دوست نداشتم. روزی والد مرحومم به طریف موعظت شرحی بر من خواندند و این گفتار از خواجه نصیرالدین تونی شاهد آوردند که می‌فرماید: «اگر بر شکر نشینی مگسی باشی، اگر ول‌خرجی کنی بلهوس می‌باشی، پولی به‌دست آور تا کسی باشی» مخفی نامناد که در آن زمان زبان نمسه‌ای (۲) در خانواده ما احتکار شده بود. من همین که به مبادی این زبان آشنا شدم، به ترجمه آثار مهمی از گوینده‌گان و نویسندگان نمسه پرداختم و خواستم کتاب «لثه دندان نهنک» و «سورمه‌دان قورباغه» را به فارسی سره ترجمه کنم. قصد خود را با چند تن از دوستان در میان نهادم. بدبختانه متعمم کردند و از این روی بود که به مطلوب نایل نگشتم. ولی از طرف دیگر چون در طی تحصیلات عالی خود به زبان سربانی شوقی وافر داشتم مجله «الظلمة المشرقیة» را آبوتنه شدم و خواندن آن در افکار و احساسات من تأثیری عظیم کرد. پدر بزرگوام که دید من شورش را درآورده و کار و بار زنده‌گی را فدای شعر و ادبیات کرده‌ام، به زور و توصیه مرا به کالج شبانه فرستاد.

به محض ورود غسل تعمید کردم، و هنوز مجهول‌اتم چنان که باید و شاید دفع نشده بود که روزی علامه تحریر و فیلسوف شهیر شادروان پرفسور شُلکن سن به کلاس ما آمد و ما را تشویق به نوشتن شرح حال خودمان کرد. مساعدت‌های استادانه آن عالم جلیل‌القدر تاب‌وتوان از من ریود و فوراً در صدد برآمدن مونیات خاطر مبارکش را انجام دهم. لذا ورقی چند به هم دوختم و تاریخ «مسکین نامه» را خواستم بر آن بنویسم. قضا را طوفان حوادث مرا به بلاد فرنگستان انداخت. این کتابچه قیمتی را که هنوز از لوح سوانح پاک بود، به مادرزم سپردم. او هم به خیال این که عقل من پارسنگ می‌برد و این اوراق جادوست، آن را به اجاق افکند و «مسکین‌نامه»ی من مسکین هم‌چنان در لوح خاطر من محفوظ ماند.

جنگل‌های گیلان و مناظر سر راه فرنگستان از توی پنجره دل‌یجان به‌قدری سبز و خرم بود که طبع شاعرانه مرا بار دیگر تحریک و تهییج کرد. تصمیم گرفتم خاطرات خودم را قلمی بکنم. به محض ورود به فرانسه در مهم‌ترین دارالعلم‌های مقدماتی آن زمان داخل شدم و چون معلم از انشای شاتو بریاند زیاد تعریف می‌کرد، بر آن شدم که صفحه‌ای از کتاب او را در یکی از روزنامه‌های دست چپ به طبع رسانم و آن را که درباره توصیف جنگل‌های آمریکای شمالی بود، به جای مدیحه‌مازندران قالب کنم. متأسفانه این جا هم تیر من به سنگ خورد و ذوق ادبی من از اذهان و عقول پنهان ماند زیرا اثر بدیعی را که با یک دنیا خون جگر به رشته تحریر در آورده بودم چاپ نکرده بودند. ولی همه از شباهت شیوه آن به سبک شاتو بریاند انگشت تحیر به دندان گزیدند.

کم‌کم کوس شهرت من در اروپا طنین‌انداز شد مرحوم دکتر جکیل مرا به پرتغالستان دعوت کرد و مأمور نمود که سفرنامه

خودم را بنگارم و در دانش‌گاه صحبت کنم. چون شنیده بودم که دوچرخه‌سواری برای پرورش ذوق شعر و شاعری خاصیت دارد تصمیم گرفتم با دوچرخه سفری کنم. اما هنوز این اختراع مجیرالعقول صورت عمل نپذیرفته بود ناچار سه‌چرخه‌ای کرایه کردم و به گردش کوچه‌ها و خیابان‌های شهر عازم شدم. این سفر چنان دل‌پرشور مرا که در دوری مهین صددرصد جریحه‌دار شده بود تهییج کرد که از هر حیث آماده شدم با اسلوبی شیوا و بیانی رسا اشعاری آبدار در وصف سفر خود بسرایم و به دانش‌گاه تقدیم کنم. بدبختانه اقبال یاری نکرد و روزگار غدار مهلت نداد. در مراجعت، سانحه‌یی مرا از نیل به مقصد بازداشت. سه‌چرخه را گزندگی عجیب و گران‌عارض شد، و جریمه‌ام کردند. پرداخت آن مبلغ گزاف عشق وطن و لطف سفر از یادم برد و سفرنامه منظوم نانوشته ماند. ولی دانش‌گاه حقوق مرا مرتباً پرداخت. بعد از چندی اوضاع آشفته آفریقا حالم را دگرگون کرد. از این روی عزم خود جزم کردم که بر علیه فجایع دولت فحیمه حبشه در جراید محافظه‌کار اعتراض کنم و مقاله‌ای چند در این باب منتشر سازم. دکتر جکیل که خدا نور به قبرش ببارد، مرا به یاد نصیحت گرفت و به لسان فصیحی فرمود: «فرزند دست از این ناپرهیزی بردار و به جای این خیالات سرسام‌انگیز کتاب‌های اوقاف گیپ را بخوان تا مگر در تصوف و عرفان شهره خاص و عام شوی.»

این پند را از صمیم قلب به کار بستم و در پرتو تشویقات استادانه آن بزرگوام در آغوش طبیعت به کار مشغول شدم و رفته رفته جسارت من در فارسی نویسی بیشتر شد. ضمناً به قراری که ملاحظه می‌فرمایید، یک صوفی تمام‌عیار از آب درآمد.

شب قبل از حرکت در پاریس به پانسیون رفتیم. اتفاقاً هم آن شب جشن ۱۸ ساله‌گی تمارا دختر صاحب پانسیون را گرفته بودند. البته چون من مهمان ناخوانده بودم در آن بزم راهم نمی‌دادند ولی با پررویی خداداده خود را در آن محفل جا کردم. تمارا که دختر یگانه مادر و عزیز دردانه پدرش بود، مثل سرو روان در موقع رقص دل‌ها را به وزن و مقام تانگو و رمبا به آشوب می‌افکند. وقتی که در بغل نامزدش پُل بود پرواز می‌کرد، و مثل ماهی که از زیر آب درآمده باشد صورتش می‌درخشید از او گرفت که خودش مادموازل تمارا ببرد. ولی دل دختر جای دیگری گرو بود. از این جهت موسیوآرتور بدون این که شرم کند همه می‌رقصیدند جز من و مرد بزرگی که در کنجی نشسته و لب فرو بسته بود و تماشا می‌کرد، و پیدا بود که سروسری با دختر دارد. چون زبان حضار را نمی‌فهمیدم آن شب فوراً به فراست دریافتم که این مرد عاشق حقیقی دختر است، گیرم به روی خود نمی‌آورد. آتشی در وجود من شعله ور شد و اشعار دلخراشی در سینه ام به جوش آمد. فردای آن شب موسیو هانری، که همان عاشق کنار گیر بود، آن‌قدر در مورد ناهار از یک نویسنده ایتالیایی تعریف کرد که تمارا فریفته موسیو آرتور که جوان خوشگلی از اهل آرژانتین بود شد. عصر همان روز هانری، عاشق دل‌باخته، با دسته گلی که معمولاً باید شب جشن تولد آورده باشد وارد گردید.

پل زرنگی کرد و دسته گل را، چند فحش رکیک به طرف گل و عاشق پرتاب کرد و با یک کشیده جانانه سزای آن جوان مکار را در کف دستش گذاشت. هانری بیچاره که آفتابش لب بام بود از این واقعه درس عبرت گرفت؛ و در موقعی که گوشی تلفن را برداشت سیل اشکش جاری شد و مثل یک بیچه مادر مرده حق‌هق گریه کرد. من آنقدر دلم سوخت که اگر ثروتمند بودم چند ملیون به زور در جیب موسیو هانری می‌چپاندم و او را به دورترین نقطه آمریکای جنوبی تبعید می‌کردم تا با دختران ماه‌پیکر آن‌جا عیش و عشرت

بورزد و تمارا از یادش برود. ضمناً دختر و موسیو آرتور را، که رقص بلد نبود دست به دست می‌دادم و حق الزحمه کلانی از ایشان دریافت می‌نمودم.

ولی متأسفانه کلاغ برای‌شان خیر برد و فهمیدند موضوع از چه قرار است و بدون وساطت من آن کاری را که بالاخره باید بکنند کردند. ناگزیر احساسات دواآتسه من بر انگیزته شد. قلم برداشتم که در مذمت فرزندان آدم و محو سنت جود و کرم شرحی بنگارم ولی صبر آمد و دست نگه داشتم. چندی درباره موضوع دلفریب این کتاب فکر کردم و به مناسبت دکانی که در آن در ایام جهالت هر روز از آن کافنت (۳) و کشمش می‌خریدم، نام این کتاب را ممکن بود از کتاب نادره من باشد «الیکا» گذاشتم. ولی بالاخره قافیه را تنگ دیدیم و منصرف شدم و تصمیم گرفتم به کاری پردازم که نان و آب از تویش در آید.

پژمرده و دل‌خسته عزم وطن مالوف کردم و برای این که خاطرات دوران بدگذرانی خود را در اروپا فراموش کنم راه با صفای صحرای عرب بستان را پیش گرفتم. با چند نفر از معاریف عرب آشنا شدم ولی این سفر حزن‌فطری مرا سخت تر کرد. متاثر شدم که عربی فصیح مرا که تقریباً همان زبان امرو القیس است احدی نمی‌فهمد. این انحطاط ادبی روحیه مرا دچار تشنج ساخت.

دیگر منتظر پذیرایی رسمی از طرف کسی نشدم. مستقیماً به تهران آمدم و فوراً با دوشیزه صبیحه‌یی از تاجر زاده‌گان پولدار زناشویی کردم و تا سف خوردم که چه‌گونه عمر عزیز را در کشاکش طوفان‌های مصنوعی عشق و محبت تباه کرده‌ام. چون موانع قانونی بر طرف شده بود امتیاز روزنامه گرفتم و هر جور بود خود را در صف ارباب قلم وارد کردم. موقعی که اولین شماره روزنامه زیر چاپ بود گفتم: «پسرا زود باش نمونه بده»...

آرزوهای قوس و قزحی مرا دقیقه‌یی راحت نمی‌گذاشت... امیدوار بودم... میل داشتم... نویسنده شوم... عکس را درج‌راید چاپ کنم... شرح حالم را به تفصیل بنویسند... در این اثنا تلفن صدا کرد و کلفت خانه، مونس آغا، مرا خواست و در گوشی تلفن گفت: «آقا! مشتلق مرا بده که خدا بهت یک پسر کاکل زری داده»

یادم نیست خوش حالی من در آن موقع چه رنگ داشت... مثل بال و پر ههدد بود... یا مانند یک طاووس هندی... یا یک چیز دیگر... فقط می‌دانم که در آسمان‌ها پرواز می‌کردم... آن روز شرننگ زنده‌گی را هنوز... در جام نیلوفری... نوشیده بودم... فقط در کتاب‌ها می‌دیدم... مثل کسی که قیافه بی‌ریخت را در استخر شنا داده باشد... و موسوم او را از دور حس نکرده باشد... قوس و قزح... بال و پر ههدد... شب‌نم جنگلی... مرارید غلطان... استخر شنا... «او»... خودم... مونس آغا... تمام این‌ها مثل برق از جلو چشم گذشت... آن وقت هنوز موهای فلفل نمکی به فاصله پنجاه فرسخ از من فرار می‌کرد... ماهرانه... مانند یک قهرمان شمشیر بازی... در این تفکرات عمیق، به قسمی فرو رفته بودم که دیگر نمی‌دانستم چه کنم. بالاخره مصحح مطبوعه با لحن خشنی گفت: «چه خبره؟ قوس و قزح نداشتم. پر ههدد را چه کار کنم... من هراسان شدم... تکان سختی خوردم... قلم خودنویس به قدر هفت میلی متر در لوله دماغم فرو رفت... و خون مثل مگس پاییز... روی صورت‌م راه افتاد... آن وقت نزدیک بود که خیال کنم که نویسنده شده‌ام. از شما چه پنهان از آن به بعد بند و بست با مقامات صلاحیت‌دار نام مرا در جهان مشهور کرد. در روزنامه‌ها شرح حالم را نوشتند و به جوان‌ها یاد دادند که راه و رسم شاعری را از من بیاموزند. عضو

بر جسته فرهنگستان شدم. چند لغت اقتصادی و فیزیکی پیشنهاد کردم و همه آن‌ها را پذیرفتند. از طرف انجمن‌های سخن‌رانی مرا به ایراد خطابه راجع به شعرای هفتاد و دو ملت ما مور کردند... وزیر و مدیر و وکیل و فلان و بهمان شدم. و چون به مقصود اصلی رسیده بودم دیگر نه فکر نظم کردم نه فکر نثر. فعلاً در اوج شهرت و عزت پرواز می‌کنم و اگر از احوالاتم خواسته باشید به حمدالله دماغم چاق است و ملالی ندارم جز این که گاهی با خود می‌اندیشم اگر از افتخارات نویسندگی و شاعری بهره‌مند بدبختانه نه شاعر و نه نویسنده‌ام. اما این نکته را شما نشنیده بگیرید زیرا چه بسا دری به تخته بخورد و پس از چندی به کرسی ادبیات شرقی در دارالفنون تمبو کتو جلوس نمایم. ره چنان رو که ره وران رفتند. دیگران آب در هاون می‌کوبند و راه تر کستان می‌پوبند. سخن به پایان رسید و یکی از هزاران‌دکی از بسیار نبشته نشد. ق. مسکین‌جامه

\*\*\*

۱- این نخستین بار است که هدایت به کسی اجازه داد در نوشته‌اش تصرف کند - محمد بهارلو

۲- منسوب به نمسه. اتریش، اتریشی. گر دآورنده

۳- کافنت که به صورت کامفت و قامبت و قانفت نیز ضبط شده است، نوعی شیرینی را گویند مانند آب‌نبات که معمولاً چهارگوش یا قرص یا کروی شکل سازند و در کاغذ پیچند.

گردآورنده: از کتاب شناخت‌نامه صادق هدایت، تألیف شهرام بهارلوییان - فتح‌الله اسماعیلی

بخش دوم و پایانی

مناقض هدایت

چگونه شاعر و نویسنده شدم

نویسنده شدم؟





## کوچی جانشین کرزی

# غنی از کرزی سبقت جست!



رئیس جمهور غنی در حکمی کاکای خود را به جای کاکای حامد کرزی به عنوان سفیر افغانستان در مسکو منصوب کرده است. عبدالقیوم کوچی از حامیان سرسخت اشرف غنی در انتخابات ریاست جمهوری افغانستان و از نزدیکترین افراد به وی است. پیش از این عزیزالله کرزی کاکای حامد کرزی رئیس جمهور سابق افغانستان سال‌های متوالی سفیر افغانستان در مسکو بود. آگاهان می‌گویند که عزیزالله کرزی و قیوم کوچی هیچ کدام شایسته سفارت افغانستان در یکی از کشورهای بزرگ منطقه نیستند. به باور آنان، از یک سو این دو

فرد پیر و سال‌خورده هستند و از سوی دیگر، ظرفیت و قابلیت‌های یک دیپلمات را ندارند تا بتوانند از پس یک مأموریت دشواری مثل سفارت برآیند. به گفته آنان، نگاه‌های تنگ خانوادگی و قبیله‌یی سبب شده است که رهبران کشور نتوانند از دایره بستن خانواده و قبیله خویش خارج شوند. حامد کرزی به خاطر انحصارگرایی و تمامیت‌خواهی مفرط مورد انتقاد چهره‌های سیاسی و مردم قرار داشت. او متهم بود که بخش عمده قدرت را در دستان خودش گرفته و بروکراسی محض را به وجود آورده است. با آمدن دولت وحدت ملی انتظار می‌رفت وضعیت

## پاکستان راه‌های

### بازگرداندن سریع مهاجرین افغانی را بررسی می‌کند



بهبود یابد؛ قدرت تقسیم گردد؛ انحصار شکسته شود و مشارکت جمعی در ساختار نظام افزایش یابد؛ اما همه این آرزوها را اشرف غنی نقش بر آب کرد و در نقش یک دیکتاتور تمام‌عیار ظاهر شد. او آهسته‌آهسته با جان‌گرفتن در ارگ، همه چیز را به ریاست جمهوری محصور کرده است. بخش مالی و اقتصادی، سکتور امنیتی، کمیته تدارکات، بخش تعیینات، بخش اصلاحات در نظام خدمات ملکی، سیاست خارجی و مدیریت جنگ، همه و همه به ارگ رفته است. بر اساس برخی گزارش‌ها، در تعیین یک مأمور پایین رتبه هم ارگ دخالت می‌کند. منتقدان با انتقاد از این عملکردهای فرد گرایانه غنی می‌گویند: غنی می‌پندارد که تنها او می‌تواند از پس مسوولیت‌ها و وظایف دولتی برآید؛ دیگر در این ملک کسی توانایی و درایت انجام یک کار و مأموریت را ندارد. به باور منتقدان آقا غنی دچار توهم شده است؛ توهم دانستن و عقل کل بودن. او خود را در مقام یک دانای کل فرض کرده است. اگر این توهم ادامه یابد و انحصار مطلق در ساختار و بدنه نظام شکسته نشود، افغانستان وارد فاز تازه‌یی از بحران خواهد شد. چون هیچ فردی به تنهایی قادر نیست، از پس همه جنجال‌ها و زدوبندهای کشور در حال بحران مثل افغانستان برآید؛ ولو آن فرد متفکر دوم جهان نیز باشد. این در حالی است که مردم انتظار داشتند آقای غنی در جایگاه یک چهره آکادمیک و دانشگاهی به تقسیم وظایف و صلاحیت‌ها می‌پرداخت و دامن انحصار تنگ تیمی و مطلقه را بر می‌چید. اما حالا می‌بینند که چنین نیست.

حکومت پاکستان در نظر دارد با افغانستان و کمیساریای عالی ملل متحد در امور پناهندگان راجع به انتقال مهاجران افغانی به کمپ‌هایی در داخل این کشور صحبت کند. در سال جاری بازگشت داوطلبانه مهاجران افغانی از پاکستان کاهش یافته است.

پاکستان دومین جمعیت بزرگ مهاجران از کشور همسایه خود را جای داده است که یک و نیم میلیون آنها ثبت شده و حدود یک میلیون تن دیگر ثبت نشده‌اند. بسیاری از این مهاجران در پی اشغال افغانستان توسط قشون شوروی سابق در دهه ۱۹۸۰ کشور خود را ترک کردند. ملل متحد گفته است شمار مهاجران افغانی که در سال جاری داوطلبانه از پاکستان به وطن خود برگشته‌اند به ۶ هزار نفر می‌رسد که خیلی پایین‌تر از رقم ۵۸۲۱۱ نفر در سال گذشته است. دلیل این کاهش افزایش خشونت‌ها و شورشگری طالبان در افغانستان عنوان شده است.

روز چهارشنبه این هفته نواز شریف نخست وزیر پاکستان به یک و نیم میلیون مهاجر ثبت شده افغانستان اجازه داد که شش ماه دیگر در این کشور بمانند.

وزارت خارجه پاکستان گفته است که فوراً در عرصه‌های سیاسی و دیپلماتیک با مقام‌های افغانستان صحبت می‌کند و در عین زمان وزارت امور مناطق مرزی با کمیساریای عالی ملل متحد در امور پناهندگان و وزارت مهاجرین افغانستان وارد مذاکره می‌شود.

در اعلامیه وزارت خارجه پاکستان آمده است که در این مذاکرات «راه‌های بازگشت زودتر و احتمال انتقال تدریجی مهاجران افغانی از پاکستان به مناطق امن افغانستان بررسی می‌شود.»

مقام‌های افغانستان تا حالا راجع به این تصمیم پاکستان ابراز نظر نکرده‌اند. پاکستان گفته است که به تاریخ نوزدهم جولای یک نشست سه جانبه با افغانستان و کمیساریای سازمان ملل متحد برگزار می‌شود که راجع به این طرح صحبت شود.

پاکستان مدت زمان اقامت مهاجران افغان در پاکستان را زمانی تمدید کردند که مقام‌های این کشور گفتند حدود ۵۰۰ مهاجر افغان در ایالت خیبرپشتونخوا بازداشت شده و به عنوان خطر امنیتی به افغانستان اخراج شده‌اند.

## «کشتار جمعی سربازان پولیس یک دسیسه بود»



### ابوبکر صدیق

کشتار جمعی شدن ده‌ها سرباز پولیس در کابل دسیسه‌یی از پیش طرح شده بود. روز پنجشنبه در یک حمله مرگبار انتحاری در کابل ده‌ها پولیس کشته و زخمی شدند. این سربازان پولیس پس از ختم آموزش‌های نظامی، به گونه دسته‌جمعی از میدان وردک به کابل منتقل می‌شدند.

وزارت داخله می‌گوید که در این حادثه ۳۲ تن از سربازان پولیس ملی و یک غیرنظامی به شهادت رسیده و ۷۹ پولیس و یک غیرنظامی زخم برداشته‌اند. اما برخی گزارش‌ها می‌رساند که در این حمله نزدیک به ۵۰ تن از سربازان پولیس جان باخته‌اند.

این کشتار جمعی سربازان پولیس، خشم همه‌گانی را به دنبال داشته است.

برخی از اعضای مجلس و فعالان جامعه مدنی این حادثه را دسیسه‌یی می‌دانند که ممکن است برخی چهره‌ها در داخل در سازمان‌دهی و مدیریت آن نقش داشته باشند.

آنان، مسوولان دولت وحدت ملی را به سهل‌انگاری در انتقال این افراد متهم کرده و می‌گویند که مسوولان نیروهای امنیتی و رهبری نظام در برابر خون این سربازان پاسخگو هستند.

از سویی دیگر، محمد اشرف غنی رئیس جمهور، حمله روز پنجشنبه را جنایت علیه بشریت خوانده و به وزارت داخله دستور داد، چگونگی تصمیم انتقال فارغان مرکز آموزشی پولیس میدان وردک را بررسی نماید.

چمن‌شاه اعتمادی عضو مجلس به روزنامه ماندگار گفت که تروریستان با انجام این حملات به هدف نزدیک شده‌اند. این عضو مجلس افزود: هزار و یک سوال پیچیده و بی‌جواب در انتقال افسران پولیس از میدان وردک تا کابل وجود دارد. این سربازان بدون هیچ نوع پوشش امنیتی انتقال یافته‌اند.

آقای اعتمادی افزود: در انتقال افسران پولیس از میدان وردک تا کابل بدون تردید دسیسه‌یی وجود داشته است. چگونه ۵۰۰ تن از افسران و سربازان را بسان کچالو در موترهای نظامی بدون امنیت انتقال می‌دهند!

ملکی و نظامی حمله کنند، این افراد باید شناسایی و به جزای اعمال‌شان برسند. به گفته او، در انتقال افسران پولیس از میدان وردک تا کابل سهل‌انگاری و اغفال وظیفه‌یی صورت گرفته است. دولت افغانستان باید در شناسایی افراد جاسوس در داخل نظام تلاش کند و در برابر سستون پنجمی‌ها اقدام عملی انجام دهد.

او افزود: وقتی از میدان وردک برای انتقال طالبان از بغلان به کابل همکاری صورت می‌گیرد، تردیدی وجود ندارد که در انجام این عمل آنان همکاری کرده باشند.

از سویی هم، ملا محمد، سربازی که در این حادثه از ناحیه سر زخمی شده به رسانه‌ها گفته که در بس ما دو نفر با لباس شخصی حضور داشت، ما نتوانستیم معلومات بگیریم که آنها کی هستند؛ وقتی نیروهای ارتش در کنار بس حضور داشت آرامی بود، اما وقتی تانک‌های آنان به جاده چرخیدند انفجار در دو بس صورت گرفت و شماری کشته و زخمی شدند. در همین حال نجیب، از دیگر افسران اکادمی گفت که افرادی با لباس شخصی در بس‌ها حضور داشتند و زمانی که از میدان شهر، مرکز میدان وردک به سمت کابل در حرکت کردیم انفجار شد. تا میدان شهر، نیروهای ارتش ملی کاروان آنان را محافظت می‌کردند؛ اما پس از برگشت موترهای ارتش، این رویداد صورت گرفت.

این عضو مجلس، کمیسیون تشکیل شده به هدف بررسی حادثه روز پنجشنبه را قابل اعتماد ندانسته می‌گوید: کمیسیون‌هایی که به‌خاطر بررسی حادثه ریاست دهم امنیت ملی، فرار زندانیان از زندان غزنی، حادثه جل‌ریز ولایت میدان وردک و ... تشکیل شده بود، نتیجه کارشان کجاست؟ فقط تشکیل این کمیسیون‌ها به‌خاطر تسلیت به بازمانده‌گان شهدا صورت گرفته است. این کمیسیون‌ها هیچ دردی را درمان نمی‌کند.

او تصریح کرد: مثل حادثه روز پنجشنبه ده‌ها حادثه دیگر در کشور اتفاق افتاده است؛ اما این‌که چرا از این حوادث جلوگیری صورت نمی‌گیرد، دول مسأله می‌تواند وجود داشته باشد؛ دو گزینه یا این‌که دولت ما بی‌خبر از همه چیز است و یا این‌که دشمن به شکل گسترده در داخل نظام وجود دارد. او بر پاک‌سازی ستون پنجم از داخل نیروهای امنیتی و نظام تأکید کرد.

چشم‌شاه اعتمادی می‌گوید: در این حادثه اگر غفلتی صورت گرفته است، باید مسوولان مجازات شوند.

همچنان، عزیز رفیعی رئیس مجتمع جامعه مدنی افغانستان می‌گوید: کمیسیون‌هایی که به‌خاطر بررسی حادثات تعیین می‌شوند، فقط برای فریب مردم هستند و نتیجه‌یی ندارند.

آقای رفیعی افزود: افرادی در داخل نظام به دشمن گزارش می‌دهند که در مکان مشخص به افراد

**فیسبوک نامه**

وحید عمر

جوانان ما از میدان وردک حرکت می‌کنند. در قلعه حیدر خان یک موتر پُر از مواد انفجاری و یک گروه انتحاری برنامه‌ریزی شده و آماده منتظرشان هستند. نقشه حمله دقیق طرح‌ریزی شده است و بعد حادثه رخ می‌دهد. این رویداد آبی و تصادفی نبود. امکان ندارد که در این رویداد دست‌هایی از داخل وجود نداشته باشد. حتماً یادتان است که یک قوماندان طالب در موتر پولیس میدان وردک انتقال داده می‌شد. اگر فکر می‌کنیم این رویدادها بی‌ربط هستند، بسیار غافل هستیم. خیلی امکان دارد که این حادثه نتیجه غفلت نه، بلکه نتیجه یک توطئه هم‌آهنگ شده باشد. تحقیق جدی در کار است. خاینان داخل صفوف نیروهای امنیتی و نظام باید محکمه نظامی شوند.

یاسر محسنی



در عمق ۳-

آمدن گلبدین حکمتیار لغو شد، اما بالغ بر هفتاد درصد پروژه اجرایی شد. وقتی «سیگار» پُست‌های خیالی را در وزارت معارف و چندین نهاد و وزارت دیگر اعلام کرد، فشار روی ارگ زیاد شد که یا کمک‌ها قطع می‌شود یا باید چندین هزار آمر و مدیر و مأمور... برای احراز پُست‌ها، معرفی کنید که از توان و روحیه رییس‌جمهور بالا بود و زمان اندک.

این دقیقاً زمان مذاکرات با حکمتیار در اطراف کابل و وزارت خارجه بود که بخشی از شروط او استخدام حدوداً پانزده هزار کارمند در پُست‌های مختلف بود و این شرط عاجل عملی شد و لیست جوانان از یک حزب و قوم و اندیشه تهیه و تأیید شد و بیشتر سوی ولایات رفتند و عده‌ی در حال رفتن‌اند و کدر حزب اسلامی، پیشاپیش تنظیم و ترتیب و تثبیت شد.

شرط دیگر گلبدین شهرک ۱۰۰ اجیریب است و برنامه‌اش این‌ست، به محض ورود به کابل یا قندوز، مستقیماً وارد شهرک خود شده و رهبری و دیدارها و... از همان مقررش در شهرک انجام پذیرد و قبالت شهرک هم به نام خودش رسماً و شرعاً.

برای مقابله با گلبدین، ایرانی‌ها طالبان را بسیج کردند تا جایی که شاهد ترور اخترمنصور بعد از بازگشت ایران بودیم، حتی دیدارهایی با طالبان پاکستان نیز داشتند که ISI پاکستان صرفاً ناظر بود و فعلاً طرحی برای عمل نداشت، روس‌ها در جریان مذاکرات ایران با گونه‌های مختلف طالب به‌تازده شده بودند؛ ایران برای مقابله با گلبدین روی تاجیکان، خیلی حساب باز نکردند، چون توان نظامی تاجیکان کم است و از سویی می‌دانستند در صورت خطر، خودشان به ایرانی‌ها مراجعه خواهند کرد. دولت ایران به ارگ کابل هشدار داده بود که چنان‌چه گلبدین در بدنه سیاسی وارد شود، مانند سوریه در حد مستشاران نظامی، نیرو پیاده خواهند کرد یعنی سوریه ثانی.

اما نیامدن گلبدین دلایل عمده‌تری دارد: توافق صلح گلبدین با دولت وحدت ملی نیست و باید این ساختار تغییر باید. جنرال دوستم کناره رود. دیورند با طرح جدید واشنگتن حل شود، نه لندن. سکتور امنیتی تصفیه شود.

عزیز آریانفر



روزهای سیاهی که هر روز تکرار می‌شوند و فاجعه‌ی که پشت فاجعه می‌آید. شهادت ده‌ها تن از افسران جوان، فاجعه سیاهی‌ست که صدها خانواده را در غم و حسرت فروبرد و داغ دیگری بر قلب داغ‌دار سرزمین ما افزود. فرزندانسی که هیچ‌گاه روی پدران خود را نخواهند دید و مادرانی که تا مرگ در انتظار فرزندان خویش خواهند ماند!

آیا کسی هست که بپرسد؛ با وجود تجارب مرگ‌بار گذشته، چه کسی اجازه داده است که صدها تن از افسران جوان در قطاری از موترهای هدف‌گیری شده به‌صورت یک‌جایی و پیهم از قرارگاه‌ها بیرون گردیده و در مسیری نامطمین حرکت کنند. آیا وجدانی هست که در برابر این فاجعه خودش را پاسخ‌گو احساس کند؟

**کشور**

پوتین:

**آماده دفاع از خود در برابر این «جهان غیر قابل پیش‌بینی» هستیم**

رییس‌جمهوری روسیه گفت: مسکو آماده است تا از خود در برابر این «جهان غیرمنتظره و بی‌ثبات» محافظت کند.

ولادیمیر پوتین، رییس‌جمهوری روسیه در دیدار با دیپلمات‌های روسی گفت: تغییرات شگرفی در تمامی زمینه‌های بین‌المللی در حال رخ‌دادن است و به همین دلیل، ما باید خود را آماده رویارویی با آن‌ها کنیم. جهان پیش‌رو، جهانی غیرمنتظره و بی‌ثبات است و روسیه باید برای تأمین امنیت و ثبات خود و مردمش همواره آماده باشد.

او با هشدار به این مسأله که درگیری‌ها در بسیاری از نقاط دنیا و حتا مناطق جدید در جهان در حال رخ‌دادن است، افزود: اقدامات تروریستی فراتر از یک منطقه است و به همین دلیل پیش‌بینی این‌که در کدام منطقه می‌خواهد رخ دهد، بسیار دشوار است.

رییس‌جمهوری روسیه هم‌چنین گفت: جامعه بین‌الملل باید توانایی اجرای دستورات را براساس اولویت‌های مشترک و تأمین امنیت و مسوولیت‌پذیری جامع و از طریق مذاکرات و همکاری‌ها داشته باشد. از آن‌جا که جهان به سمت روندی غیرقابل پیش‌بینی سوق می‌یابد، همکاری، داشتن تمایل مشترک برای همکاری و آماده‌گی لازم برای دستیابی به سازش اهمیت زیادی دارد تا بتوانیم بر مشکلات بین‌المللی غلبه کنیم.

پوتین ادامه داد: روسیه سیاست خارجی موثر و مستقل خود را دنبال می‌کند و هدفش ایجاد روابط باز و همکاری براساس صداقت با تمامی کشورها در شرق و غرب، شمال و جنوب است. ما هرگز به دنبال اعمال فشار اقتصادی و نظامی نبوده‌ایم و تنها به دنبال همکاری دو جانبه و روابط سازنده هستیم. روسیه به تلاش خود برای حل مشکلات بین‌المللی نظیر بحران اوکراین و تقویت روابط و همکاری استراتژیک با کشورهای واقع در اوراسیا ادامه می‌دهد.

رییس‌جمهوری روسیه هم‌چنین گفت: ارتباط میان چین و کشورهای عضو اتحادیه اقتصادی اوراسیا تحت امر روسیه نخستین گام در مسیر همکاری بیشتر و عمیق‌تر است و همین روند را می‌توانیم با کشورهای اتحادیه اروپا داشته باشیم.

پاکستان:

**خرید جنگنده‌های «اف-۱۶» از امریکا متوقف نشده**

سخنگوی وزارت امور خارجه پاکستان اعلام کرد که خرید ۸ جنگنده «اف-۱۶» از واشنگتن متوقف نشده است و مقامات امریکا به‌زودی برای مذاکره در این خصوص وارد اسلام‌آباد خواهند شد.

نفیس زکریا، سخنگوی وزارت امور خارجه پاکستان اعلام کرد که خرید ۸ جنگنده اف-۱۶ از امریکا متوقف نشده است و مسیراهای مذاکره هنوز باز است.

او افزود: سناتور «جان مک‌کین» به‌زودی از پاکستان دیدار خواهد کرد و با مقامات اسلام‌آباد در مورد این معامله گفت‌وگو می‌کند.

این درحالی است که رسانه‌های پاکستانی پیش از این از عدم خرید خرید ۸ جنگنده امریکایی خبر داده بودند. رسانه‌های پاکستانی به‌نقل از منابع دولتی اعلام کرده بودند که دولت اسلام‌آباد باید قبل از ۲۴ می (۴ خرداد) سال جاری نامه تأیید خرید ۸ جنگنده اف-۱۶ را به واشنگتن ارسال می‌کرد، اما به‌دلیل عدم ارسال این نامه، زمان تعیین‌شده این معامله پایان یافته که پس از آن، پاکستان نمی‌تواند این جنگنده‌ها را از امریکا خریداری کند.

پاکستان خرید ۸ جنگنده اف-۱۶ را به‌دلیل توقف کمک مالی امریکا رد کرده بود، درحالی که این کشور نیز کمک مالی به پاکستان را به عملیات جدی علیه شبکه حقانی مشروط کرده بود.

مقامات اسلام‌آباد چندی پیش اعلام کردند که این جنگنده‌ها را از اردن خریداری خواهند کرد.



قهرمان ورزش پانکریشن:

**جامعه ورزشی افکار انحرافی را می‌زداید**

تنگیالی عثمانی

لطفاً خود را معرفی کنید؟

محمد کریم سلطانی عضو تیم ملی پانکریشن و معاون فنی فدراسیون ورزشی پانکریشن هستم. در وزن ۶۶ کیلو قهرمان وزن خود هستم و در حال حاضر به عنوان ترینر تیم ملی نوجوانان و جوانان کشور فعالیت دارم.

چه وقت و با کدام انگیزه رو به ورزش آوردید؟

از نوجوانی علاقه فراوانی به ورزش داشتم، وقتی بزرگ شدم، از اهمیت و پیامدهای خوبی که ورزش برای سلامتی بدن دارد آگاهی پیدا کردم و انگیزه‌ام برای ورزش کردن بیشتر شد و تصمیم گرفتم به ورزش رو بیآورم. ورزش در سلامتی جسمانی و رشد اعتماد به نفس، نقش بسیار زیادی دارد، به همین دلیل علاقه‌مندی من نسبت به ورزش زیادتر شد.

تا به حال چه دست‌آوردهای در زمینه ورزش داشته‌اید؟

هجده سال می‌شود پی‌هم ورزش می‌کنم، در این مدت به ورزش‌های زیادی پرداخته‌ام مانند کانکفو، موی تای و کیک‌بوکس، اما مدت ۷ سال می‌شود که ورزش پانکریشن را تحت نظر محمد عجب نور سیار، رییس فدراسیون و بنیان‌گذار ورزش پانکریشن به پیش می‌برم. در سال ۱۳۸۸ عضویت تیم ملی را کسب کردم، اولین دست‌آورد خارجی من در سال ۲۰۱۲ از مسابقات جهانی در قاره اروپا در کشور یونان است که در وزن ۶۶ کیلوگرم مقام سوم را به دست آوردم. در دو استایل آماتور و حرکات نمایشی مسابقه کرده‌ام. از کشورهای ایران و استرالیا نیز مدال‌های برنز را حایز شده‌ام. در سال ۲۰۱۳ در مسابقات قزاقستان در بخش داورى سند بهترین داور را با مدال طلا از میان ۱۴ کشور به دست آوردم. هم‌چنان در مسابقات ۲۰۱۵ شهر هندوستان مسابقات جهانی بود که در این مسابقات در بخش داورى و مبارزه نایب قهرمان و مدال نقره را نصیب شدم.

چرا ورزش‌های دیگر را کنار گذاشتید و رو به ورزش پانکریشن آوردید؟

وقتی از کشور ایران به وطن برگشتم، در رشته کانکفو عضویت تیم ملی را داشتم، چون کانکفو مسابقات خارجی نداشت رو به ورزش پانکریشن آوردم، پانکریشن یک رشته ورزشی یونانی است که ۵۰۰۰ سال قدمت تاریخی دارد و یک ورزش تکمیل است، تمام حرکات ورزشی مثل بوکس، لگد و پهلوانی در آن شامل می‌باشد، به همین دلیل علاقه‌مندی من به این ورزش زیادتر شد و آن را انتخاب کردم.

نقش ورزش را در یک اجتماع چگونه می‌بینید؟

در جامعه‌ی که ورزش باشد، روابط خوب انسانی رشد پیدا می‌کند و روحیه انصاف، عدالت و ادای احترام به قوانین در افراد شکل می‌گیرد. ورزش عامل است که می‌تواند جلو بسیاری از بیماری‌های روحی و جسمی را بگیرد. با ورزش می‌توانیم جسم سالم و روحی شاد داشته باشیم. ورزش نقش صلح و همدلی را در جامعه ایفا می‌کند.

ویژه‌گی‌های یک قهرمان از نگاه شما چه‌هاست؟

قهرمان‌شدن شاید ساده باشد، اما قهرمان بودن دشوار است، زمانی که ورزشکار قهرمان می‌شود مدال و افتخارات برای کشور خود کسب می‌کند، مدال‌ها و افتخارات مربوط به یک فرد و یک فامیل نمی‌باشد، بلکه از تمام ملت است، باید یک قهرمان احساس مسوولیت در مقابل ورزش و مدال خود داشته باشد، از طریق ورزش باید سبب احساس آرامش و خوشی برای مردم شود و از اخلاق نیک و حمیده برخوردار باشد.

جامعه ورزشی و ورزشکاران کشور با چه مشکلاتی روبرو هستند؟

چیزی که بسیار زیاد برای ورزشکار و قهرمانان مشکل‌آور شده است، نبود بودجه است که تمام فدراسیون‌ها به این چالش‌ها روبرو هستند، اشخاص که قدرت و توانایی دارد سفرهای خارجی برای اشخاص می‌شود و مورد تشویق و حمایت نیز قرار می‌گیرند، اما ورزشکارانی که حتا پول مصارف باشگاه خود را ندارند، از سفرهای خارجی محروم می‌شوند. باید دولت در این قسمت با ورزشکاران همکاری جدی کند.

پیام‌تان برای جوانان چیست؟

کشور ما به جوانان نیاز دارد، آنان آینده‌سازان این کشور هستند، پس احساس مسوولیت در مقابل کشور خود داشته باشند و به هر ورزشی که علاقه‌مند هستند، به‌خاطر صحت و سلامتی خود ورزش کنند. در جامعه‌ی که ورزش باشد، جامعه ورزشی فکری انحرافی نمی‌داشته باشد.

# Mandegar

## دو سال پس از اعلام «خلافت»

# دارایی داعش

### جنگجویان داعش

دیده‌بان حقوق بشر سوریه برآورد کرده بود که شمار عناصر داعش زمانی که این گروه در اوج قدرت خود بود، به ۸۰ تا ۱۰۰ هزار نفر در عراق و سوریه می‌رسید. به گفته ائتلاف بین‌المللی، بیش از ۲۵ هزار نفر از این نیروها در دو سال گذشته کشته شده‌اند.

به گفته وزارت دفاع امریکا، میزان ورود جنگجویان خارجی به عراق و سوریه به میزان ۹۰ درصد در سال گذشته کاهش یافته است. با وجود این گسترش این گروه تروریستی در دیگر مناطق جهان کند نشده است.

گروه‌های افراط گرای انصار بیت المقدس در مصر، جماعت أنصار التوحید در هند، شبکه القاعده در شبه جزیره عربی و یمن، بوکوحرام، امارت قفقاز و روسیه، جند الخلافة در الجزایر و مصر و گروه‌هایی از طالبان پاکستان با داعش

دهند، ۳۰ درصد کاهش یافته است. درآمد ماهیانه داعش از ۵۶ میلیون پوند در ماه مارچ به ۴۰ میلیون پوند در ماه گذشته کاهش یافته است. در این میان، صنعت نفت داعش زیر ضربات هوایی آسیب دیده است.

ادوارد استرینجر، مسوول انگلیسی مبارزه با داعش گفت: ۴۰ درصد درآمد داعش از فروش نفت عراق و سوریه، ۴۰ درصد از مالیات و ۲۰ درصد از فعالیت های مجرمانه بود اما بعد از حملات هوایی، ۲۰ درصد درآمد داعش از فروش نفت است و ۵۰ درصد از مالیات و ۳۰ درصد از فعالیت های مجرمانه.

### نفت داعش

در حالی که زمانی درآمدهای نفتی داعش به ماهانه ۳۰ میلیون پوند می‌رسید، ارزیابی‌ها درحال حاضر نشان می‌دهد که فروش نفت این گروه به ۱۱ میلیون پوند در ماه کاهش یافته

روزنامه دیلی تلگراف در دومین سالروز اعلام خلافت خود خوانده ابوبکر البغدادی گزارش جامعی از وضعیت کنونی این گروه منتشر کرد. به گزارش شبکه العالم، روزنامه دیلی تلگراف با اشاره به فرا رسیدن دومین سالروز اعلام «خلافت اسلامی در عراق و شام» توسط ابوبکر البغدادی است، به تشریح وضعیت کنونی داعش پرداخت و نوشت:

داعش در تابستان ۲۰۱۴ میلادی مساحت گسترده‌یی از خاک سوریه و عراق را تصرف کرد و دروازه های مرزی بین آنها را برچید. در طول دو سال گذشته، نفوذ داعش در گروه‌های تندروی دیگری نظیر بوکوحرام در نیجریه، ابوسیاف در فیلیپین و امارت قفقاز در روسیه گسترش یافت و همه آنها به البغدادی اعلام وفاداری کردند.

داعش در طول این دو سال، دهها حمله در منطقه خاورمیانه و غرب از جمله سرنگون کردن هواپیمای حامل اتباع روس در شبه جزیره سینا و حملات پاریس و سواحل سوسه و موزه باستانی تونس را اجرا کرد.

اما سرزمینهای داعش، در سایه نبرد علیه این گروه در مناطق مختلف عراق نظیر رمادی، هیت و فلوجه در عراق، و سرت در لیبی و نیز شکست هایش در سوریه، تا حد زیادی کوچک شده، بیش از یک سوم اراضی خود از دست داده، جنگجویان خارجی این گروه سرخورده شده و شمار عناصر جدا شده از این گروه رو به افزایش گذاشته است.

اما با این حال، مسئولان امریکایی و انگلیسی هشدار می دهند که پیروزی نهایی هنوز دور از دسترس است؛ زیرا داعش خود را با اوضاع سازگار و راهبرد خود را دوباره سازماندهی می‌کند؛ بر اساس راهبرد جدید داعش، به نظر می رسد تمرکز روی حملات تروریستی مهمتر از کنترل بر اراضی باشد.

### داعش در عراق

ائتلاف بین المللی می‌گوید که حملات هوایی و عملیات زمینی نیروهای امنیتی عراق و پیشمرگه باعث شده است که داعش ۴۵ درصد از اراضی تحت کنترل خود را از دست بدهد. داعش در هیت، الرطبه، الرمادی و هفته گذشته در فلوجه شکست خورد. اما نبرد بزرگ در شهر موصل خواهد بود که بیش از یک میلیون نفر در آن زیر سلطه داعش هستند. نیروهای پیشمرگه نیز که به سمت روستاها و شهرک های جنوب موصل حرکت می کنند هنوز چند ماه تا رسیدن به این شهر فاصله دارند.

### داعش در سوریه

داعش در سوریه اوضاع پیچیده‌تر است. دولت سوریه شهر باستانی تدمر را امسال از داعش پس گرفت. در ماه گذشته نیز نیروهای دولتی سوریه حمله ای را برای بازپس گیری شهر رقه مقر اصلی داعش اجرا کردند.

عناصر مسلح سوری مخالف نیز که از حمایت امریکا برخوردارند، برخی دستاوردها را کسب کردند و شهر راهبردی منبج را در مرز با ترکیه به کنترل درآوردند.

### درآمدهای داعش

درآمد داعش نیز در سال گذشته به خاطر از دست دادن اراضی و مردم آن که مالیات می

## تیرباران سه تن پیش چشم خانواده‌هایشان در فاریاب



طالبان پنجشنبه شب دو پسر جوان و یک پیرمرد را در منطقه آستانه‌بابای ولسوالی شیرین‌تگاب در فاریاب پیش چشم

سیدلتمان گهریک، ولسوال شیرین‌تگاب می‌گوید که طالبان پس از سقوط منطقه آستانه‌بابای این ولسوالی این سه تن را پیش

چشمان خانواده‌هایشان تیرباران کرده اند. یک مسؤول امنیتی که نخواست نامش فاش شود در این باره به سلام‌وطندار می‌گوید که این افراد هیچ ارتباطی با حکومت

نداشتند. به گفته منبع یکی از این افراد نگه‌دار یک انبار و برادر دیگر دهقان بود و آنان با هیچ ارگان و جریان سیاسی‌یی ارتباط

نداشتند. طالبان تا حال در این باره چیزی نگفته اند. فاریاب یکی از ولایت‌های ناامن کشور است که طالبان به صورت گسترده در آن فعالیت دارند.

## بی‌میلی حکومت نسبت به آمدن هیات

### محکمه جزایی بین‌الملل به افغانستان



شبکه تحلیلیگران افغانستان (AAN) در یک گزارش تحلیلی تازه گفته است که حکومت افغانستان نسبت به آمدن هیات محکمه جزایی بین‌الملل (ICC) بی‌میلی نشان می‌دهد و به نحوی

کوشش کرده است تا از آمدن این هیات جلوگیری کند. قرار است هیاتی از جانب محکمه جزایی بین‌الملل برای بررسی و تحقیق جرایم جنگی، در سال ۲۰۱۶ به افغانستان بیاید اما به گفته شبکه تحلیلیگران افغانستان، حکومت نسبت به دیدار این

هیات از افغانستان روی خوشی نشان نداده است. در این گزارش آمده است که حکومت افغانستان کمیته‌ای را

مشکل از وزرا برای تحصیل اطمینان (اجرای) اساسنامه محکمه جزایی بین‌الملل ایجاد کرده است.

این گزارش می‌افزاید که این کمیته هم‌چنان کوشش کرده است تا اطمینان یابد که دادگاه جزایی بین‌الملل هیچ قضیه‌ای را در افغانستان تحت تحقیق قرار نمی‌دهد.

افغانستان در سال ۲۰۰۳ به عضویت محکمه جزایی بین‌الملل درآمد. تنها جرایمی که در افغانستان و یا توسط افغان‌ها بعد از این تاریخ انجام شده باشند، می‌تواند مورد بازپرسی قرار بگیرد.



بیعت کرده‌اند.

### حملات داعش

کشتن پنج روزنامه نگار انگلیسی و امریکایی و نیروهای امداد رسان، کشتن یک سرباز در کانادا و حمله به پارلمان، انفجار یک خودرو در کارخانه تولید گاز در سان کویتین نزدیک لیون فرانسه، حمله به موزه باردو در تونس،

حمله به مجله شارلی ابدو در فرانسه، حمله به منطقه سوسه در تونس، سرنگون کردن هواپیمای مسافربری روسیه بر فراز صحرای سینا، حملات پاریس، حمله به مرکز بیماران روانی در سان برناردینو در ایالت کالیفرنیا، حمله در نزدیک مسجد ایصوفیه در استانبول، حمله به فرودگاه بروکسل، حمله به باشگاه شبانه همجنسگرایان اورلاندوی امریکا و حمله به فرودگاه استانبول از حملات داعش در دو سال اخیر بوده است.

است.

### مالیات‌های داعش

جمعیت افراد ساکن در سرزمین های تحت کنترل داعش که با پرداخت مالیات به این گروه بخش مهمی از منابع مالی آن را تأمین می کنند، از ۹ میلیون نفر در سال ۲۰۱۵ به ۶ میلیون نفر کاهش یافته است.

تحقیقات نشان می‌دهد که داعش در تلاش برای افزایش مالیات گیری از مردم برای کسب درآمد است و مجبور شده است حقوق عناصر خودش را ۵۰ درصد کاهش دهد.

### باج گیری برای آزادی گروگان‌ها

این گروه همچنین در سالهای ۲۰۱۳ و ۲۰۱۴ میلادی بیش از ۱۰ روزنامه نگار غربی و نیروی امداد‌رسان را در سوریه ربود و از دریافت پول در قبال آزادسازی آنها ده‌ها میلیون دلار به جیب زد.